

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب تبکیت الخصام (ج ۴)

مؤلف متن ریاض حسن هندی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر ۱۳۰۲ ق نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۴

موضوع کلام (اخبار) زبان فارسی عدد اوراق ۱۵۱

۷۶ ورق

طول ۲۶ عرض ۱۵٫۵ شمارهٔ عمومی ۳۱۵۶۰

وقفی / خریداری مقام معظم رهبری

تاریخ وقف بهمن ۸۳ نام کاتب

ملاحظات

۷۸

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله العلی الاعلی والصلوة علی رسوله محمد المصطفی
وآله مصابیح الدجی سیما علی ولده المسمی بالحسن المجتبی امام
الانس والجنة وسید شباب اهل الجنة منصوب
من الله الصمد وان قام او قعد اما بعد این جلد چهارم
از کتاب تبکیت الخصام در بیان بعض سوانح و آلام سبط اکبر پاره جگر جناب
پیغمبر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام که از دست و زبان اشرار امت
بآنحضرت رسیده و موجب انواع اهانت و استخفاف جناب پاک او گردیده
از آن جمله آنکه چون امیر شام در محاربات و مشاجرات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
خاسر و ناکام ماند و فن و فریب او در قضیه تحکیم هم که در باره اخذ خلافت

از مکاید عظیمه

از مکاید عظیمه و حیل جسیمه او بود پیش نرفت بلکه بعد این قضیه هم حضرت مرتضی
تجهیز جیش بنابر تنبیه و تادیب آن ناعاقبت اندیش فرموده بود که از
خوارش تقدیر واقعه ناگزیر شهادت رو نمود و چون بعد سنوح این سانحه حضرت
امام حسن مجتبی بجای پدر بزرگوارش بر مسند خلافت خداداد جلوس فرمود و قبایل بسیاری
از مردم عراق و ارباب وفاق و نفاق در دایره بیعت آنحضرت در آمدند معاویه
در همین وقت نازک که آغاز کار و ابتدای گرویدگی خلق بسیار بآنحضرت بود موقع
شورش و کامیابی خود چنانکه مطمح خاطرش بود با حسن وجهی یافت و بتعجیل تمام
با جمعیت اهل شام بقصد محاربه آن امام عالی مقام شتافت حضرت مجتبی نیز بدستور
پدر بزرگوار خود بعزم حرب و گوشمالی ابن حرب تجهیز جیش خویش نموده تا به
مداین رسید چون خبر نهضت آنحضرت بقصد جهاد گوش زد آن مایه فتنه و فساد شد
با خود اندیشه کرد که کار از محاربه نگشاید پس باید که حیله دیگر بمیان آید تا
بی قیام قتال و بلا زحمت قتال شاید بمقصود رو نماید پس لشکریان آنحضرت را
بطمع زخارف دنیوی فریفته بران آورد که همه همراهان حضرت شوریدند و یکبار
دست از جهاد جمعیت کشیده مرتکب انواع بی اندامی ها که عنقریب معلوم شود گردیدند

فليعلم انتهى كلامه و اين رد ابن القيم اگرچه بظاهر حال بمفاد قوله تعالى
وكفى الله المؤمنين القتال خوش نمايد و اگر قطع نظر از اينكه
مخالف اصول مسلمه اهل سنت است خلل هاي ديگر نيز وارد و محتاج بتفصيل
و توضيح اين اصول موضوعه و ضوابط مسلمه ايشان چنانكه بايد و شايد
انشاء الله در مقصد پنجم مي آيد پس نزد اهل انصاف بعد از دريافت
حقيقت حال خود واضح خواهد شد كه مقتضاي مذهب و اصول
مذهب اهل سنت همين است كه ابن القيم و ابن العربي و غيرهما گفته اند و بر همين
جاده رفته اند و جواب بر ابو بكر صديق اصلا مطابق با اصول مذهب
ايشان و بمقارن تحقيق نيست بلكه در حقيقت جواب اين سخن ناصواب
ابن القيم همان است كه حضرت امير عليه السلام در رد يكي از بزرگان
ابن القيم كه همين كلمه نسبت بآنحضرت گفته بود ارشاد فرموده كما في نهج البلاغة
وقال لي قائل انك يا ابن ابي طالب على هذا الامر لحريص فقلت
بل انتم والله احرص و انا اخص و اقرب و انما طلبت
حقا لي و انتم تحولون بيني و بينه و تضربون وجهي دونه

الخ

الخ يعني گوينده بمن گفت اي پسر ابو طالب هر آينه تو بر امر خلافت حريص
مي باشي گفتم بلكه شما بخدا احرص و طامع تر ايد و من مخصوص تر ام بامر خلافت
و قريب تر ام به حضرت رسالت و من طلب نميكنم مگر حق خود را و شما مانع
و حائل ميشويد در ميان من و حق من و دست رد بر آن ميزنيد و ميخواهيد
كه حق مرا از طرف در آريد انتهى و از اين افاده امير كل امير بر هر عاقل
و جاهل هم بر ناو بير ظاهر و باهر است كه مطالبه حق خود عقلاً و عرفاً محمول
بر حرص و طمع نميشود و هيچ عاقل طالب حق را صاحب طمع نميداند
و او را حريص نميخوانند مگر كساني كه بمنقصت و اهانت حضرات اهل بيت
عادت گرفته و در اين شيمه ذميمه بر سنت اهل سنت رفته اند

هرچه نسبت بآنحضرات گويند اقل قليل است
و بر نصب و خروج شان اول دليل و هو حسبي
و نعم الوكيل و يهدي من يشاء
الى سواء السبيل ١٢

تمام شد رساله تنبيه الخصام حسب الارشاد و فيض بنياد خداوند نعمت قبله گاهان

حاتم دوران پرور فقرای غریبان جناب سید غضنفر حسین صاحب دام اقباله و جلاله

بخط خادم احقر الانام حاجی کوتنی محمد حسین پنجشنبه واقع ۲۰ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۳ هجری روز جمعه

صورت اختتام پذیرفته

